

# مکان یابی تئاتر محیطی در فضاهای عمومی شهر تهران

علی طهرانچی

کارشناس ارشد رشته طراحی شهری ، AliTehranchi85@gmail.com

## چکیده

شهر ساختاری است که به لحاظ جغرافیایی، معماری، سیاسی و اجتماعی همواره در حال تغییر است. جایی که عده کثیری در این ساختار بی نهایت پیچیده اجتماعی گرد هم می آیند و کار و زندگی می کنند. (هاروی ، جن ، تئاتر و شهر. ترجمه ی سپیده خمه نژاد. تهران: انتشارات مروارید ، ۱۳۹۲) هنر نمایش در درون این ساختار جایگاهی به مراتب ویژه دارد و بدون شک در همه جا هست. از مراکز تفریحی گرفته تا تئاترهای کوچک و مستقل، از آئین ها و مناسک دولتی تا تشریفات که در صحن دادگاه انجام می شود، این روند پیوسته در زندگی روزمره جریان دارد. تئاتر و شهر نشان می دهند که چطور تئاتر، اجرا و شهر می توانند قدرتهای سیال اجتماعی، ایدئولوژی و درک افراد از هویت خویش را تحت تاثیر قرار دهند. پیچیدگی و چند بعدی بودن مسائل در شهر نیازمند تعامل و وام گیری از دیگر حوزه ها است. با نگاه به چشم انداز شهر خودسازمانده (خود ترمیم) و یا به تعبیری تئاتر درمانگر، ضرورت پرداخت به تئاتر محیطی در فضای عمومی شهر بیش از پیش احساس می شود. انگیزه قدم گذاشتن در این پژوهش به واسطه برقراری ارتباط پیوسته و موثر بین دو حوزه شهر و تئاتر می باشد. در این مسیر دریچه ای گشوده شده است که تئاتر را مختص سالن های نمایش و قشری خاص نپنداریم بلکه آن را به درون شهر بیاوریم و این رویداد را با همه قسمت کنیم. علاوه بر این موضوع بتوانیم در کیفیت بخشی به فضاهای عمومی شهر گامی بلند برداریم. چگونگی انجام این پژوهش بصورت مطالعه کتابخانه ای و مشاهده میدانی صورت گرفته است. برای نیل به این هدف، این مقاله تلاش می کند در فرآیند توصیفی - تحلیلی، در گام اول فضای عمومی را به مثال دموکرات ترین فضای تجمع در شهر و تئاتر محیطی را به عنوان گونه ای از هنر نمایش بطور اجمالی شرح دهد. گام دوم از ترکیب، آمیزش و برهم کنش تئاتر محیطی در فضای عمومی شهر به الگویی واحد به نام "کاتالیزور مکانی" دست یابد. گام سوم کاربرد الگوی کاتالیزور مکانی بعنوان خلق صحنه پردازی تئاتر محیطی بیان می شود و پس از آن راهکارها، پیشنهادات ارائه می شوند. در آخر، مکان یابی تئاتر محیطی در فضاهای عمومی شهر تهران با شناسایی هفت گونه - شاخص به کار خود پایان می دهد.

**واژه های کلیدی:** تئاتر محیطی، فضای های عمومی شهر تهران، طراحی صحنه، مکان یابی، کاتالیزور مکانی، زندگی

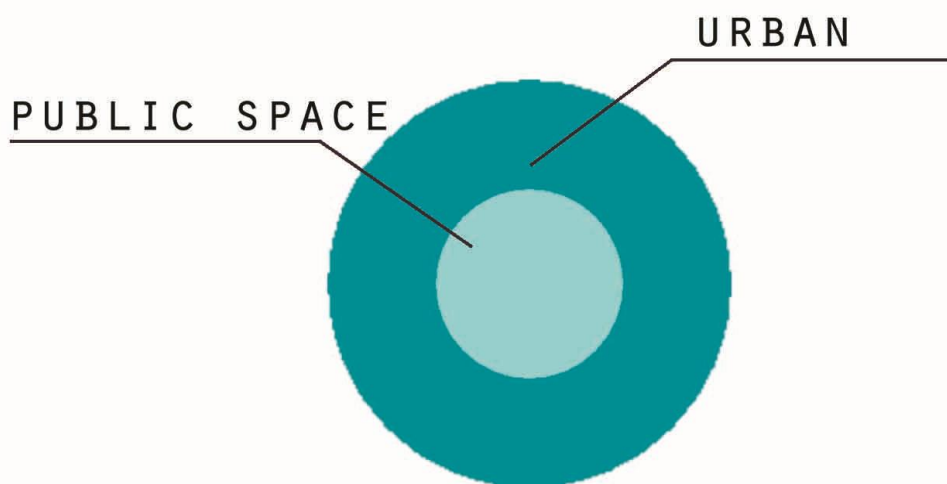
روزمره در شهر

## شهر

قرن بیستم و یکم قرن شهرهاست، چرا که اکنون بیش از نیمی از مردم دنیا شهرنشین اند، و اگر رشد شهرنشینی به همین منوال ادامه یابد، تعادل جمعیتی بین شهر و روستا به نحوی چشمگیر به سود شهرها تغییر خواهد کرد. همگام با تسریع رشد شهرنشینی، فرایند جهانی شدن نیز شتابی فزاینده یافته، و شهرها، این کانون های اصلی اجتماعی و اقتصادی دنیا، از طریق فناوری پیشرفته اطلاعاتی و ارتباطاتی، بیشتر و شتابزده تر از پیش با هم مرتبط گشته اند. در این شرایط، کیفیت فضای شهرها، چه از لحاظ جذب سرمایه و گردشگر، چه از لحاظ حفاظت محیط زیست، و چه از لحاظ بهبود کیفیت زندگی شهروندان، نقش قابل ملاحظه ای در اوضاع اقتصادی و اجتماعی ملل خواهد داشت. (مدنی پور، علی، فضاهای عمومی و خصوصی شهر ترجمه ی فرشاد نوریان. تهران: انتشارات شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری، ۱۳۸۷)

## فضا

در این میان اشتراک و توافق اصلی شهروند در داخل شهر بر سر یک واژه یعنی فضا SPACE بصورت خودآگاه و ناخودآگاه تعیین شده است. بدون شک شاید اولین تفاهم شهروندی، یکسان سازی و عدالت بخشی در شهر با تقسیم فضا صورت خواهد گرفت. به قسمی که تقسیم فضا در غالب دو واژه عمومی و خصوصی، بستری را ایجاد می کند برای احترام به حفظ حریم یکدیگر و مشخص شدن حق شهروندی بر شهر. به همین دلیل مالکیت شهر از آن شهروند می شود. سرانجام نحوه ورود و دخالت در فضا، ترغیب ایجاد ارتباط شهروندان باهم و دگرگونی در محیط پیرامونی را جزئی از حق خود بر شهر در فضای عمومی می داند.



گراف ۱: شهر، فضای عمومی

## فضا و شهر

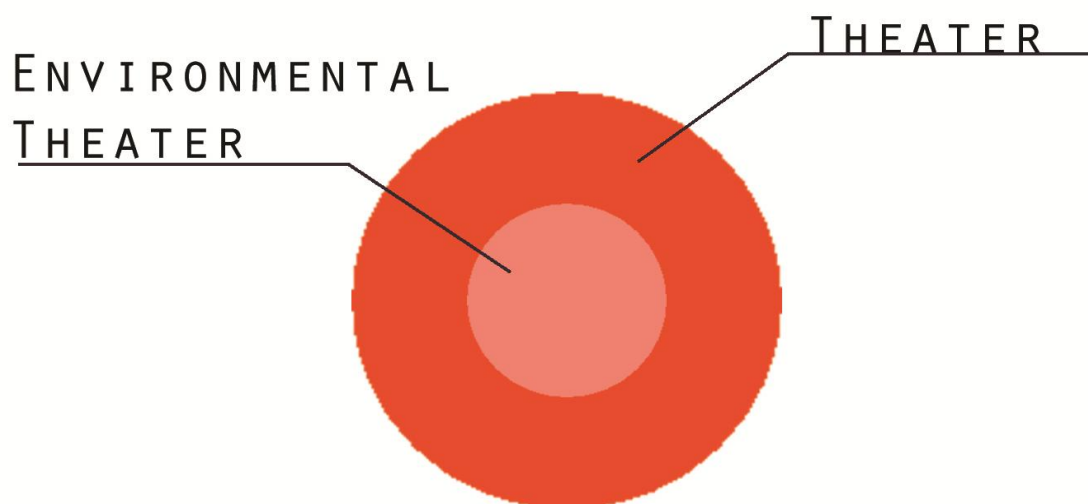
فضاها بیش از چیزی که از آن به عنوان مکان نام برده می شوند در واقع یک موقعیت، یک فضای خاص و یا یک اتمسفر جاری هستند. فضایی که وقایع تنها با حضور و تعامل افراد با محیط صورت می گیرد و از طریق این تعامل به فضا معنا می بخشند. (گودال، ۱۹۸۷؛ میهو و پنی، ۱۹۹۲) این فضاها با توجه به نوع فعالیتها بار معنایی و موقعیتی ویژه ای را کسب می کنند، مثالی ملموس در مورد آن تفاوت بین بازار تهران و اطراف تئاتر شهر است. این دو فضای عمومی مهم تهران دارای تاریخچه و سابقه ای دیرینه در زندگی اجتماعی شهروندان تهرانی هستند و هر کدام با توجه به فعالیت هایی که در آن صورت گرفته و می گیرد واجد بار تاریخی و اجتماعی می شوند که به آن فضا شخصیتی خاص می بخشد.

## تئاتر

در تعریف هنر تئاتر به نقل از سایت ویکی پدیا اینگونه بیان شده است: تئاتر یا نمایش شاخه ای از هنرهای نمایشی است که به بازنمودن داستان ها در برابر مخاطبان یا تماشاگران می پردازد. به جز سبک معیار گفتار داستانی، تئاترگونه های دیگری نیز دارد مانند اپرا، باله، کابوکی، خیمه شب بازی، پانتومیم و تئاتر خیابانی که این نمایش توسط یک یا چند بازیگر در یک محیط باز به نام "سن" انجام می گیرد که البته این کار توسط کارگردان هدایت می شود.

## تئاتر محیطی

از سوی دیگر گونه ای از هنر تئاتر بنام تئاتر محیطی بیان شده است که در تشریح مفهوم تئاتر محیطی، اینگونه میتوان تعریف کرد گونه ای نمایش که از پست مدرن و جنبش آوانگارد جایگاه خود را با مدارک علمی و معتبر ثابت کرده و شیوه ای برآمده از آثار بزرگانی همچون پیتربروک و گروتوفسکی می باشد. نمایشی که به یک محیط وابسته است، چه در غالب مفهوم و چه در نحوه اجرا، به عبارتی محیط، امکانات موجود در آن و مشارکت تماشاگر بر حسب طبقه، جایگاه اجتماعی، مفهوم، داستان و شکل اجرایی نمایش را تعیین می کند. در واقع رابطه بین تماشاگر و بازیگر به شکل بداهه (پیش بینی نشده) و بکر عناصر اصلی شکل گیری این نوع تئاتر است. (سجادی، فروغ ۱۳۹۲)



گراف ۲: تئاتر، تئاتر محیطی

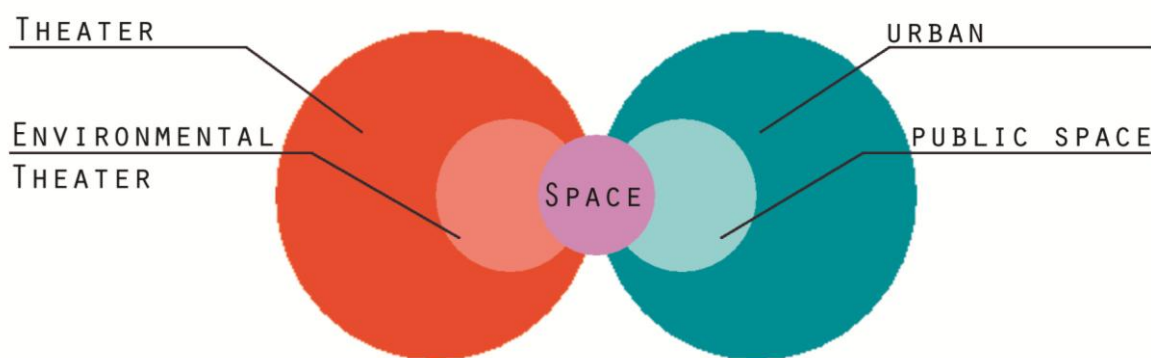
## فضا و مکان

از اینرو فضای عمومی و تئاتر محیطی جزئی از یک کل بزرگتر یعنی شهر و تئاتر می باشند چنانکه در فوق بیان گردید توافق اولیه هر دو بر سر فضا است. پس از جاری شدن عنصر معنا در درون فضا، فضا مکانیت محیط را تثبیت می کند و به مکان مبدل می گردد. در واقع بنابر تعاریف مکان در فرهنگ انگلیسی آکسفورد، مکان «یک موقعیت، نقطه یا ناحیه ای خاص» معنی شده است. در فرهنگ انگلیسی لانگمن، مکان «هر ناحیه، نقطه یا موقعیتی یا وضعیت در فضا» و «یک نقطه به خصوص در یک ناحیه گسترده تر» است. (Longman, ۲۰۰۱: ۱۰۷۲). منظور از مکان، مفهوم مجرد و کلامی آن، به معنی یک جا نیست. اشیای گوناگون و رفتارهای مختلف احتیاج به مکان های متفاوت دارند. مکان، جا یا قسمتی از فضا است که از طریق عواملی که در آن قرار دارند صاحب هویت خاصی شده است (گروت، ۱۳۸۳: ۱۳۸). مکان بخشی از فضا است که به واسطه عناصر و عواملی خاص صاحب هویتی منحصر به فرد و تکرارناپذیر می شود. شولتز معتقد است که ماهیت یک مکان در بعضی عرصه ها، کنشی زمانی است که با فصل ها یا دوره های یک روز همانند هوا تغییر می کند؛ عواملی که بیش از هر چیز، موقعیت های متفاوت را تعیین می کند. او خاطر نشان می کند که در واقع بی معنی است که رخدادی را بدون ارجاع به یک محل تصور کنیم. به وضوح مکان یکی از اجزای یکپارچه وجود است. پس منظور ما از کلمه مکان چیست؟ روشن است که مقصود ما چیزی بیش از یک موقعیت انتزاعی

است. منظور ما این است که یک تمامیت از چیزهای ملموس دارای ماده و جوهر، شکل، بافت و رنگ ساخته شده است. این چیزها در کنار هم مشخصه‌های محیطی را تعیین می‌کنند که گوهر مکان است. بنابراین یک مکان، یک پدیده کامل کیفی است که نمی‌توانیم آن را به هیچ یک از اجزایش نظیر رابطه فضایی تقلیل دهیم بدون اینکه طبیعت منسجم آن از نظر دور شود.

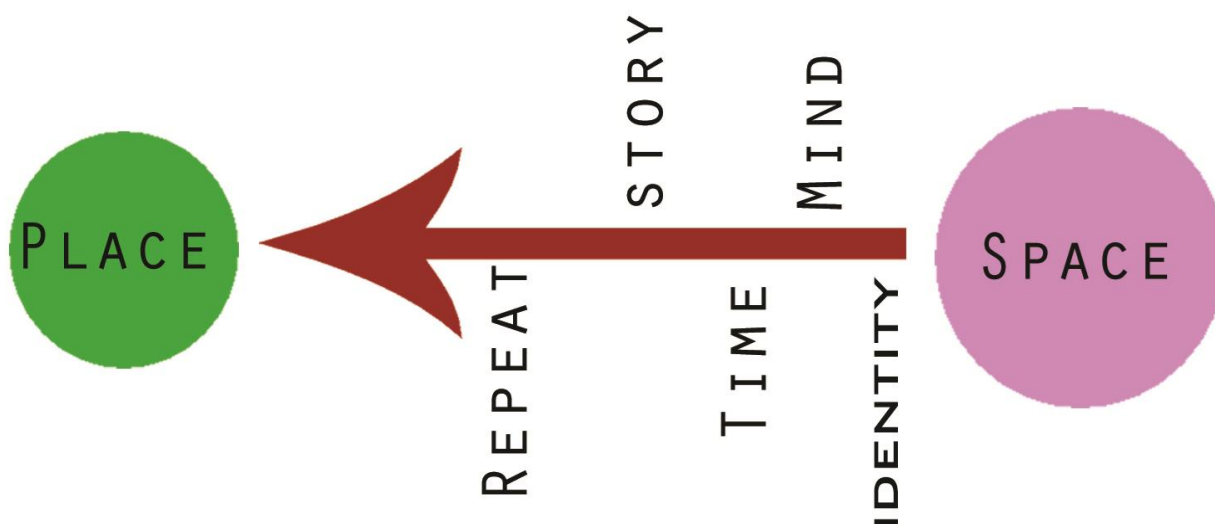
### معنای حضور در مکان ( رابطه میان فضاییت و مکان )

رابطه زیست جهان با مکان مستلزم رابطه انسان و حضور وی در محیط پیرامونش است؛ برای پرداختن به ساختارهای زیربنایی زیست جهان باید پیش و بیش از هر چیز به مفهوم هایدگری فضاییت مرتبط شویم یا به ندای حضور گوش سپاریم. فضاییت نشان‌دهنده ارتباط ریاضی با جهان نیست، بلکه در عوض هرروزه به وجود فضایی برای زیست‌مان اشاره دارد. آن‌گونه که هر چیزی در این فضا جای خود را دارد و همه این جاها به کارآفریدن و فراهم کردن محیطی می‌آیند که فراروند راستین زندگی در آن محیط جریان می‌گیرد و روی می‌دهد.



گراف ۳: فضا، اشتراک شهر و تئاتر

بنابراین تا بدین جا در گام اول از تشریح شهر و جز آن فضای عمومی، تئاتر و جز آن تئاتر محیطی رسیدن به توافق اولیه هر دو حوزه بر سر واژه فضا، تزریق معنا و عامل هویت بخش حضور، مکان را متبلور شدیم .



گراف ۴: تحقق فضا به مکان

برای سوق به مفهوم کاتالیزور مکانی نیازمند عنصر اولیه یعنی مکان داشتیم که در بند های فوق موجودیت یافته و حال برای شکل دهی آن به چگونگی بلوغ مکانی می پردازیم. مکان پس از گذر در زمان به مرور رشد می کند به بلوغ می رسد اما این تکامل با خاطره و یادآوری ( تصور ذهنی ) محقق می گردد. مکان به مرحله ای از بلوغ می رسد که نشانی از یک هویت دارد. با ذکر یک اسم فرآیندی از بازتولید معنا در ذهن شکل می گیرد، معنایی که شاخصه اصلی آن مکان است، به تعبیری تعمیم

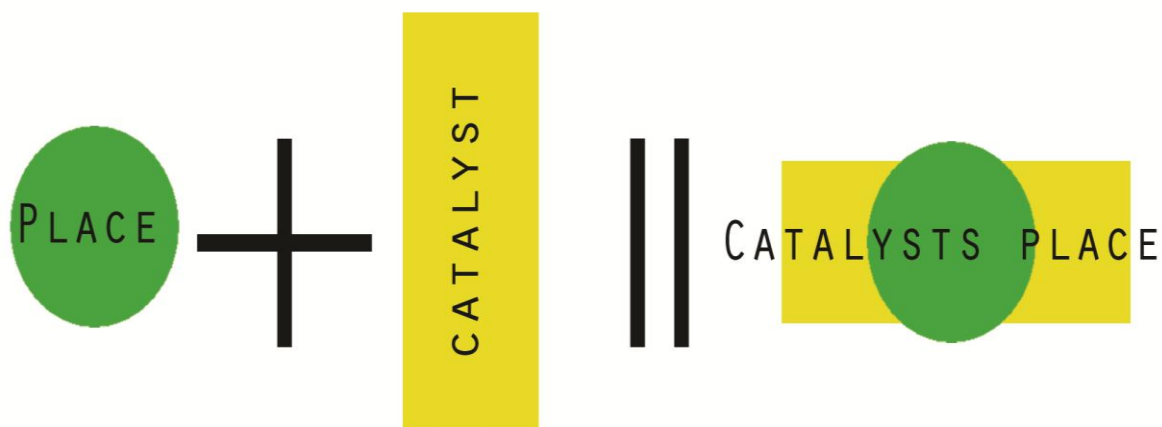
یافته و همه شمول می شود. معانی متبادر شده در ذهن وجه مشترک و آشنایی را پدیدار می گردد که هم پیوندی یک رابطه را آغازگر است. اما به واقع فقط نشانی از یک مکان، برای تولید و منتشر کردن لازم است؟ (هدف اصلی کاتالیزور مکانی) بلکه پیوند میان دال و مدلول بصورت طبیعی، به نحوی که عضوی از یک سیستم شود نیازمند است. در واکاوی این مطلب باید ذکر گردد نقل سینه به سینه (ذهن به ذهن)، روایت گفتاری نشان مکان را به نماد تبدیل می کند. بعنوان مثال میتوان برج شهید یا آزادی امروز را در تهران نام برد. در ابتدای امر بعنوان یک دروازه خوش آمد گویی ساخته می شود. اما بعد از انقلاب ۵۷ و شکست رژیم طاغوت مبدل به آزادی (رهایی از استکبار) می گردد. به قسمی که تا قبل از تولد برج میلاد، تهران را با برج آزادی می شناختند. همان گونه که بطور مثال برج ایفل را نمادی از کشور فرانسه می دانند.

## کاتالیزور

کاتالیزور از دو صفت کاتا و لیزور تشکیل شده است. در زبان یونانی "کاتا" به معنای پائین، افتادن، یا پائین افتادن است و "لیزور" به معنی قطعه قطعه کردن می باشد. در برخی زبانها کاتالیزور را به معنی گردهم آوردن اجسام دور از هم معرفی کرده اند. کاتالیزور در فرهنگ فارسی معین آمده است ماده ای که باعث تغییر سرعت یک فعل و انفعال شیمیایی می شود. بدون آن که مستقیماً در آن فعل و انفعال وارد شود. هدف متعالی کاتالیزور آن است که راه تازه ای برای پیشرفت واکنش می گشاید. (Atto & Donn, ۱۹۹۴:۴۶).

## فضا و کاتالیزور

به راستی اگر کاتالیزور را یک دهلیز اتصال دهنده بنامیم بین یک عنصر و یک عنصر دیگر میتوان برابری واژه فضا و کاتالیزور را باهم برای ساخت کاتالیزور مکانی شایسته دانست. از ترکیب شهر در غالب فضای عمومی و تئاتر به واسطه حضور تئاتر محیطی و اتصالشان توسط فضا کاتالیزور ساختار اولیه را خلق کرده ایم. فضا کاتالیزور پس از طی مرحله جنینی تا رسیدن به سن بلوغ و مکان شدن نیازمند تداوم معنا می باشد. توانایی تحقق کاتالیزور مکانی در گرو تولید و بازتولید، رونق بخشی کیفی و کمی، افزودن عرضه و تقاضا و بیش از پیش حیات بخشی در هر دو حوزه تئاتر و شهر است.



گراف ۵: مکان، کاتالیزور، پارادایم "کاتالیزور مکانی"

## فضا - کاتالیزور و مشارکت

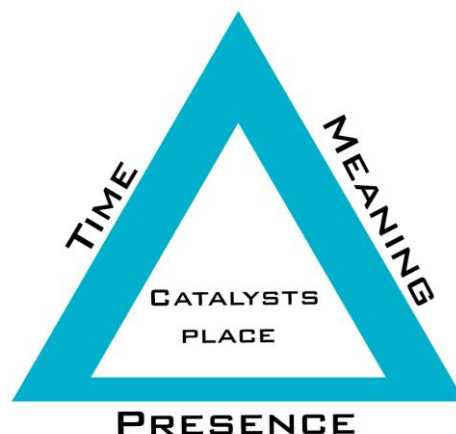
از این حیث "کاتالیزور مکانی" زمانی همه شمول می شود که به باور نگارنده با عنصر مشارکت (Participation) آمیخته باشد. از این منظر چگونگی مقهور ماندن مشارکت و رشد آن تا به امروز در شهر و همچنین تئاتر بیان می گردد. شهر قبل از مدرن با بی نظمی در حین نظم (آنتروپی) هیچ جداسازی و تفکیکی را مد نظر قرار نمی داد، بلکه همگن بودن و وحدت بخشی را در قلب شهر آمیخته بود. پس از آن در شهر مدرن جداسازی و تفکیک باعث پدیدار شدن تکه پاره هایی از فضا شد (تولد لامکان) شروع این دوران با ارج قرار دادن سلطه ماشین آغاز شد. ماشین نبض زندگی را در دست گرفت و برای تسریع و سرعت بخشی در همه چیز شهر به خیابان ها و بلوار ها و بزرگ راه هایی مبدل گشت. فضایی که تا قبل، لحظه های رویداد را در خود آستن بود و ارتباط چهره به چهره را به وضوح می شد دید بخاطر احاطه ماشین بر انسان امکان این رویارویی از بین رفت. تمامی مکالمات، احوال پرسی ها، خبرها تا قبل بصورت مکالمات چند وجهی در غالب احساس، نگاه، شنیدن، بوئیدن، لمس کردن

صورت می گرفت. اما در دوران معاصر کلماتی خنثی بازگو کننده ارتباطات نوین شدند. در حوزه نمایش سالن های تئاتری با شکوه و عظمت از بدو ورود رخ نمایی کردند و معماری آن تحقیر مخاطب را گواه می داد. معماری هدایت شده تماشاگر را به محض وارد شدن در سالن به جایگاه از پیش اندیشیده شده خود راهنمایی می کرد و به حالت قاطعانه و دگم به او می فهماند که باید در این محل بنشینند و از این منظر نمایش را ببینند هیچ مشارکتی غیر از وجه بصری بینشان رواج نداشت. بنابراین تفکیک تعمدی این امر باعث پیدایش تماشاگر و بازیگر و مرز و مانع بین آنها شد. پس از آن ترویج و توسعه مفاهیمی همچون تئاتر سرمایه داری، بورژوازی تئاتری، مصرف گرایی در تئاتر، روز به روز پایگاهی پدید آمد برای مباحث جامعه شناسان اجتماعی ... از طرف دیگر شهر مدرن که با کشیده شدن خیابان بر سینه محلات، جنبه روانی بالای شهر و پائین شهر و از این قبیل تفکیک های دوگانه را متبادر گشت، همچنان استوار در جداسازی شهر و شهروند می کوشید. به همین دلایل مشارکت در شهر و تئاتر رخت بر بست.

## بوطیقای الگوی کاتالیزور مکانی

فطرت انسان در دوران معاصر به سرچشمه های ظهور خود مراجعه کرد و مشارکت و ارتباط را در تعامل هم دید، با پیشه گرفتن و خروج تئاتر از مکان های مرسوم به مکان هایی که نامتعارف بود انسداد تفکیک بازیگر و تماشاگر برداشته شد. به تعبیر آگستوبوآل تماشابازیگر، نوید بخش راه نوینی بود برای دست یافتن به عنصر مشارکت و نگرش غلبه انسان بر ماشین. در حوزه شهر خیابان های پیاده محور، مکان سازی و توسعه روز افزون بازآفرینی های شهری تحقق شهرانسانی را به وقوع پیوست. بنابراین شهر انسانی با عابر پیاده، ناظر همیشه در صحنه و همینطور عامل تسهیل گر در امر مشارکت و به بیرون کشیدن تماشاگر از مکان های باشکوه تئاتر باعث نزدیک شدن، آشنایی و آشتی هرچه بیشتر مردم با شهر و شهر با مردم و تئاتر و مردم شد. این امر باعث فائق آمدن انسان در سرنوشت خویش گشت.

از این سو حضور تماشا بازیگر در مکان هایی واجد ارزش و یا تکه پاره های فضاهای گمشده شهر باعث تبلور یک مفهوم در ذهن نگارنده شد، "کاتالیزور مکانی". تولید، ترویج و ترغیب ایده "کاتالیزور مکانی" با زمان، معنا، حضور رخ می دهد. یک کاتالیزور، یک عنصر شهری است که توسط شهر (محیط آزمایشگاهی اش) شکل داده می شود و سپس به طور متوالی زمینه اش را شکل می دهد و هدف آن احیای تدریجی و مداوم بافت شهری است. بنابراین کاتالیزور یک محصول نهایی صرف نیست، بلکه عنصری است که توسعه های بعدی را اداره و تحریک می کند. آن چه تعامل میان شهر و ایده ی کاتالیزور را شکل می دهد، بیش از هر چیز هدایت فرایند تغییرات به کمک تصمیماتی است که نقش محرک و هدایت کننده و تسریع کننده ی (کاتالیزور) را بتوانند ایفا کنند. در این زمینه باید گفت که یک کاتالیزور مکانی، فقط واکنش ها را به سادگی تنظیم نمی کند، بلکه آن ها را راهنمایی و مقید هم می کند. در رویکرد استفاده از کاتالیزورهای مکانی باید درصدد راهی بود که توسعه های بعدی را نیز تحت تاثیر قرار دهد. (قدس، سمیه، ۱۳۸۷، رویکرد کاتالیتیک در بافت های تاریخی، پایان نامه ی کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی).

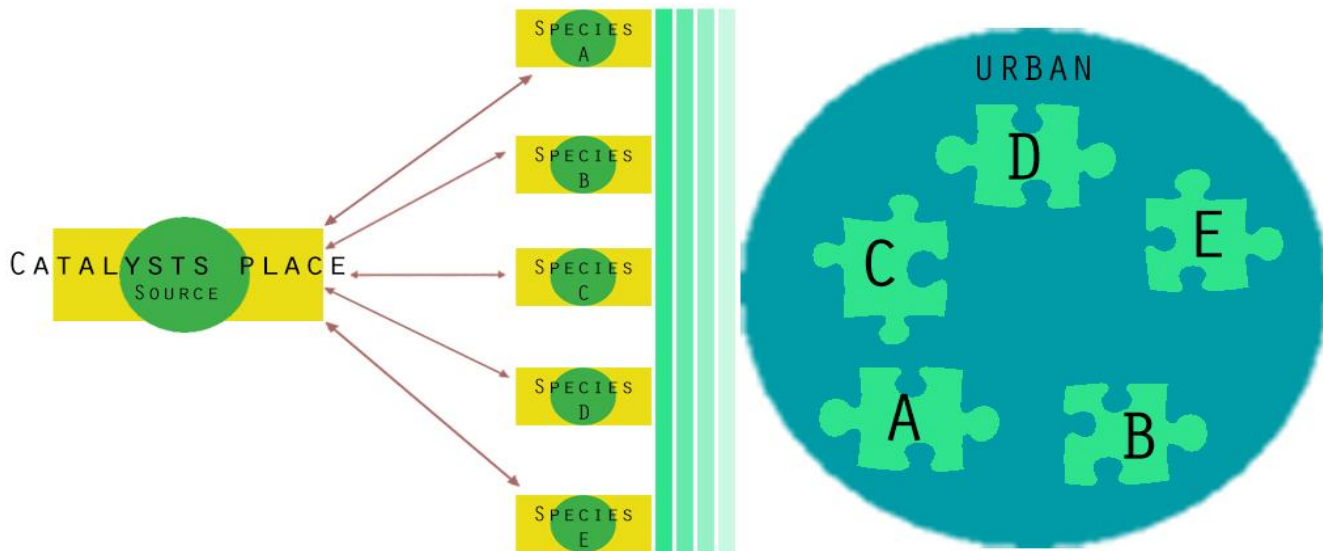


گراف ۶: زمان، معنا، حضور، پایداری کاتالیزور مکانی

## ویژگی های کاتالیزورهای مکانی

با شرحی که رفت می توان ویژگی های کاتالیزورهای مکانی را این چنین برشمرد:

۱. حضور یک کاتالیزور مکانی به عنوان عنصر جدید سبب عکس العملی می شود که موجب تغییر در عناصر موجود در محدوده می شوند(رونق بخشی در امر اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و...)
  ۲. عکس العمل کاتالیزوری قابل کنترل است و تاثیر آن را می توان هدایت کرد.
  ۳. برای اطمینان از عکس العمل مثبت کاتالیزور مکانی عناصر شکل دهنده باید مورد قبول واقع شده درک و فهمیده شوند (درک جامع نیازمند ایجاد یک تاثیر محدود و خوب است)
  ۴. انفعالات کاتالیزورهای مکانی مختلف یکسان و پیش بینی شده نیست. بنابراین هیچ فرمولی نمی تواند برای تمام شرایط تعیین شده باشد.
  ۵. طراحی "کاتالیزور مکانی" استراتژیک است. تغییرات براساس مداخلات ساده به وجود نمی آیند، اما از طریق محاسبه ی دقیق برای تعیین اثرات آینده ی شهر و تئاتر به صورت تدریجی در دراز مدت پیش بینی می شود.
  ۶. هدف انفعالات کاتالیزوری ایجاد یک محصول بهتر از جمع اجزای تشکیل دهنده آن است.(گشتالت) به جای در نظر گرفتن بخش های مختلف شهر و تئاتر به طور مجزا کل این دو حوزه مد نظر است .
  ۷. الزامی برای از بین رفتن کاتالیزور مکانی برخلاف کاتالیزور شیمیایی نیست و می تواند بدون تغییر بماند. به بیان دیگر لازم نیست وقتی هویتش جزئی از کل بزرگ تر می شود، قربانی شود.( مقاله رویکرد استفاده از کاتالیزورهای شهری در احیاء بافت های تاریخی و باززش شهری. ( کاوه عین اللهی، محمدمهدی عابدی) ماهنامه شهر نگار شماره ۷۳ ، ۷۴، ص ۳۵)
- "کاتالیزور مکانی" ترکیب مکان، تئاتر محیطی و فضای عمومی در شهر است. که ممکن است این نقش انگیزی در یه هتل در یک شهر، مجتمع خرید، شبکه حمل و نقل، یک موزه یا تئاتر باشد. می تواند یک فضای باز طراحی شده یا در کوچک ترین مقیاس یکی از ویژگی های خاص چون ردیف ستون یا فواره باشد. و یا فضاهای بدون هویت، رها و گمشده مانند زیر پل ها، که به واسطه کاتالیزور مکانی رونق پیدا کند. در شرایطی بهتر و ایده آل تر ترکیبی از موارد فوق باشد که با حضور، مشارکت تحقق یابد. کاتالیزور مکانی در ایده آل ترین وجه میتواند به واسطه، "تماشاگر بازیگر" در کل شهر انتشار و تعمیم پیدا کند.



گراف ۷: گسترش و تعمیم " کاتالیزور مکانی " در شهر

## چک لیست مکان یابی تئاتر محیطی در فضای عمومی شهر

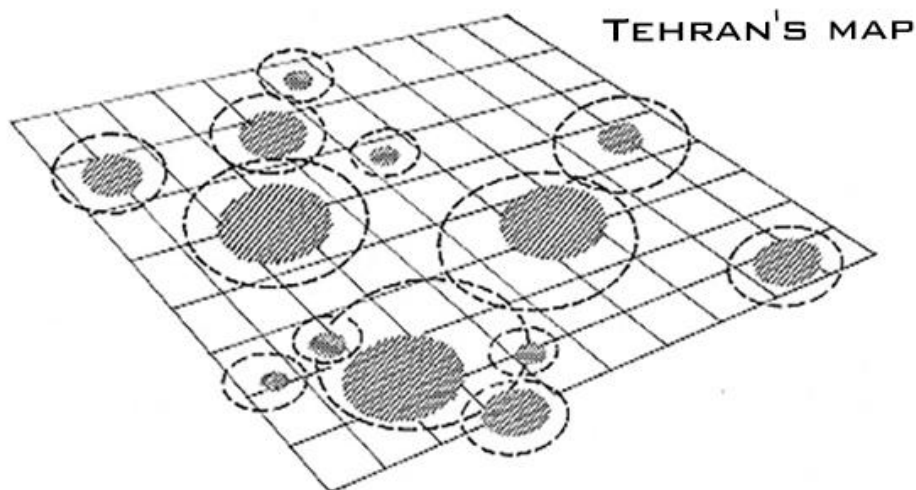
با نظر به ایده و ویژگی های "کاتالیزور مکانی" در غالب معرفی چک لیست زیر می توان نزدیک شدن به فرآیند تحقق مکان یابی تئاتر محیطی در فضای عمومی شهر را مدنظر قرار داد. خلق چک لیست بعنوان یک رویکرد سبب ساده سازی این مسیر شده است.

جدول ۱: چک لیست مکان یابی

.....محلہ.....	.....منطقہ.....	.....شهر.....	تئاتر محیطی برای کجا؟
.....التقاطی.....	.....تاریخی.....	.....مدرن.....	معماری آن فضا به چه چیزهایی دلالت می کند؟
.....بدنام..... .....گم نام..... .....حس نامطلوب.....	.....حماسی..... .....ارزشی..... .....انقلابی.....	.....احساسی..... .....عاطفی..... .....نوستالژیک.....	این مکان متضمن چه معنایی است. (تصور عموم مردم از این فضا چیست؟)
.....طبقه فقیر.....	.....طبقه متوسط.....	.....طبقه مرفه.....	چه مناسبات اقتصادی و الگوی جامعه شناختی در آن حاکم است.
.....زنان و مردان.....	.....فقط زنان.....	.....فقط مردان.....	چه افرادی و در چه موقعیتی در آن مشغول بکار هستند. (تفکیک جنسیتی در فضا مطرح است)
.....گردشگر..... .....شهروند.....	.....جوان..... .....میانسال.....	.....با سودا..... .....بی سودا.....	افرادی که برای تفریحی به آنجا می آیند از چه قشری از جامعه هستند (میزان درصد محبوبیت) (میزان حس رغبت به ورود به فضا)
.....درام..... .....گروتسک..... .....اجتماعی، سیاسی، اقتصادی.....	.....تراژیک..... .....ملودرام..... .....مذهبی.....	.....شادی..... .....غم..... .....آئینی.....	چه گونه و درون مایه نمایشی برای این مکان مناسب است (هدف از برپایی تئاتر محیطی در این فضا چیست)
.....امیدواری..... .....آگاه سازی.....	.....اطمینان..... .....بخشی..... .....جریان..... .....سازی.....	.....اعتماد سازی..... .....بدبینی.....	ارزیابی و عکس العمل گروه اجرایی در گروه چه اهدافی تحقق می یابد.
.....مکان های ناامن، تاریک، ناآشنا، پرت، آلوده به افراد ناباب..... .....مکان های کثیف، بدبو..... .....تفاوت و جداسازی شهروندی.....	.....سینما..... .....شهربازی..... .....باغ..... .....وحش..... .....میدان، خیابان..... .....کوی.....	.....پارک..... .....رستوران..... .....آثار تاریخی..... .....مجتمع تجاری.....	محیط اجتماع پذیر است (مانند قطب آهنربا جذب می کند) و یا اجتماع گریز (پرت کردن شهروند به بیرون از فضا)

در ادامه تکمیل تئوری چک لیست باید ذکر گردد جدول تدوین شده در فوق فقط و فقط بعنوان یک پیش نویس تهیه و معرفی شده است و مطمئنا خالی از اشتباه نیست. حتی در عالی ترین مرتبه آن بسترسازی های قانونی، ساختاری، فرهنگی و...نیازمند تحقق این امر می باشد. در آخر این پژوهش به باور نگارنده هفت گونه فضا-مکان در شهر تهران شناسایی و معرفی شده که میتواند "تحقق پارادایم کاتالیزور مکانی" پیوستگی و آمیختگی تئاتر محیطی با فضای عمومی شهر را توسعه و گسترش دهند.



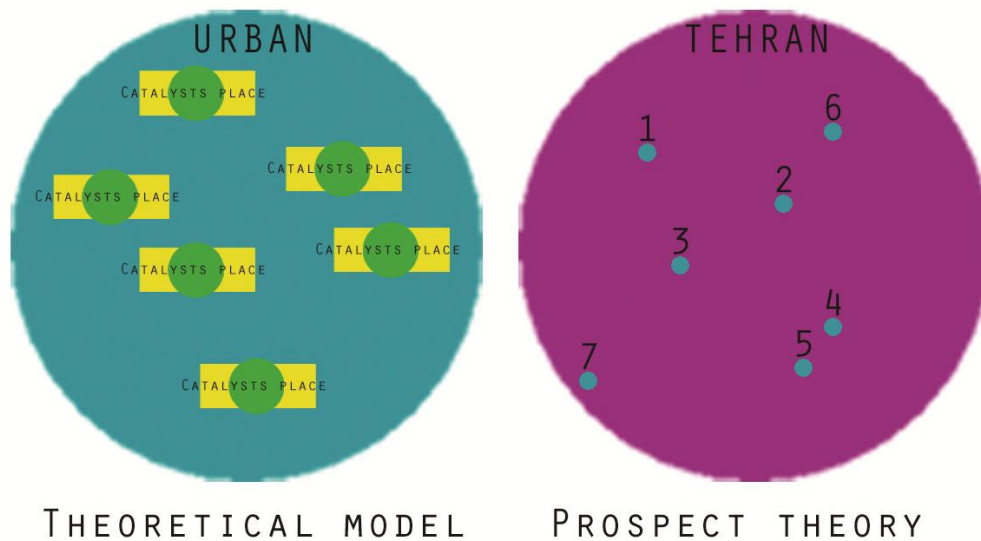


SPECIES IDENTIFICATION IN PUBLIC SPACE IN TEHRAN

گراف ۸: تهران، شناسایی مکان یابی تناثر محیطی

جدول ۲: مکان یابی تناثر محیطی در فضای عمومی شهر تهران

ردیف	مشخصات گونه ها	معرفی فضا - مکان
۱	زیست گاه اکولوژیک	در بند، توچال ( بام تهران ) - درکه، فرحزاد، پارک ساعی، پارک ملت، شیان، چیتگر...
۲	عناصر مدرن و نوظهور	برج میلاد، پردیس سینمایی ملت، میدان امام حسین، پیاده راه سپه سالار، پیاده راه هفده شهریور. مجتمع های تجاری، هایپرمارکت، پالادیوم...
۳	تاریخی	برج آزادی، دروازه باغ ملی، (پیاده راه میدان مشق)، سبزه میدان، میدان ارگ کوچه مروی، بازار تهران، تناثر شهر، باغ فردوس...
۴	عناصر دینی - مذهبی	امام زاده صالح، امام زاده علی اکبر (چبذر)، امام زاده یحیی...
۵	عناصر نوظهور و اکولوژیک	پل طبیعت، دریاچه خلیج فارس، بوستان ولات، پارک نهج البلاغه، پردیسان، آبشار تهران، پارک ژوراستیک، سورتمه تهران...
۶	حمل و نقل	مترو، ترمینال های شرق، جنوب، غرب، آرژانتین، پایانه های اتوبوسرانی و تاکسی...
۷	لامکان ها	زیرپل ها (سیدخندان، جوادیه، نواب، پرستو، عراقی، و...)، فضاهای خالی و بدون هویت (بین برج ها شهرک اکباتان، آپادانا، فرهنگیان، مسکن مهر)



گراف ۹: تهران، تحقق مکان یابی تئاتر محیطی

## ۱۲- جمع بندی

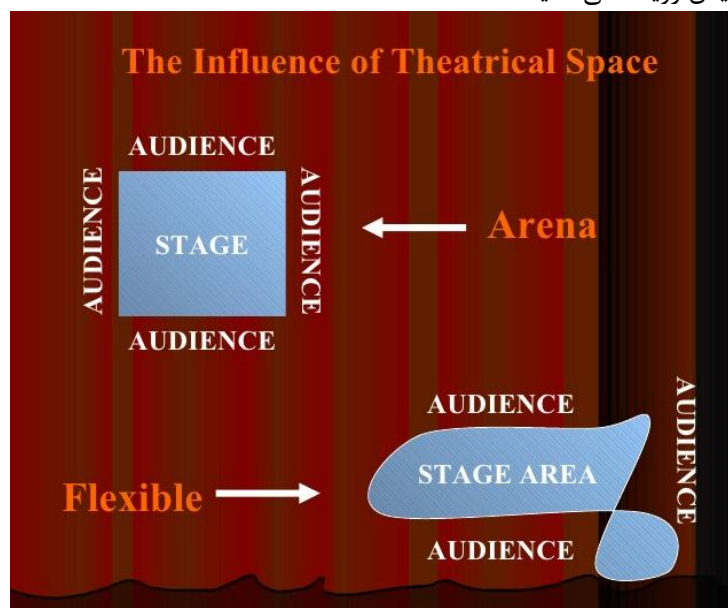
در این نوشتار با برداشتن سه گام، گام اول تشریح شهر و تئاتر - فضای عمومی و تئاتر محیطی، در گام دوم ترکیب و آمیزش دو حوزه و رسیدن به پارادایم "کاتالیزور مکانی" و در انتها بیان ویژگی های رویکرد کاتالیزور مکانی، تدوین چک لیست و معرفی هفت گونه - شاخص در شهر تهران جهت مکان یابی تئاتر محیطی در فضای عمومی شهر تهران کوشیده شد.

لغت عمومی که از واژه لاتین POPULUS به معنی مردم گرفته شده معنای گسترده ای دارد واژه های معادلی که در فرهنگ آکسفورد بعنوان صفت برای این واژه آمده عبارتند از: متعلق به مردم بودن، تعلق داشتن یا تمایل داشتن به یک جمعیت یا ملت یا در نظر داشتن منافع آنها، کاری که یا چیزی که برای یا توسط اعضای یک اجتماع منسجم محلی انجام شده یا ساخته شده. شهر و تئاتر هر دو با انسان تکمیل می شوند و عدم حضور انسان بی معنایی مفهوم شهر و تئاتر را در خود مستتر است. فضای عمومی مکانی است که واقعیتها با وجوه مختلفی که دارند در کنارهم حضور می یابند و تحمل نظرات متفاوت در آنجا تمرین می شود به نظر می رسد شهر مدرن مانع وقوع این اقدامات می شود زیرا افرادی که از خودروهای شخصی استفاده می کنند از میان فضاهای عمومی می گذرند و بدین ترتیب یکبار خود را از دیگران جدا می کنند و سپس بار دیگر از طریق نهادهای انتزاعی پیچیده و بروکراتیک به دیگران متصل می سازند. لذا ضروریست که فضای عمومی بتواند روابط بدون واسطه را در کنار روابط باواسطه در بین انسانها تسهیل کند. هویت فضای عمومی شهر را در گرو تصمیم گیری های جمعی می باشد. فضاهای عمومی شهر فضاهای معاشرت پذیرند، یعنی جایی که در آنها روابط اجتماعی شکل می گیرد. بدون شک مرز بین فضای باطنی خصوصی خود مستقل و فضای بیرون همان بدن است.

هنر نمایش با بیان ویژه خود چگونه زندگی کردن را یادآور می شود. در ادبیات نوین حوزه تئاتر بازیگر به بدن معرفی می شود. پس پیوستگی و آمیختگی هرچه بیشتر شهر و تئاتر از این مضمون کاملاً مشخص است. همین بدن مرز بین فضای شخصی و عمومی را معین می کند. حال برای یکپارچه بودن و به یک معنا زیستن، حل شدن تئاتر در شهر را به واسطه بدن می توان فهم کرد. بدن جایی است که از آنجا مرز و محدوده های خود آغاز شده و در همان جا به پایان می رسد. زندگی روزمره به عنوان یک نمایش تئاتر دیده می شود که در آن نمادها عرضه می شوند و مورد تبادل قرار می گیرند و نقابها بر چهره گذاشته می شوند با هم مقایسه شده و تغییر می یابند. شهر بصورت صحنه ای برای ارائه نمایش در می آید یعنی تئاتری که برای صحنه آرای و حضور بازیگر ساخته شده است. برخی معتقدند که وقتی خیابان به عنوان صحنه استفاده نشود و زندگی عمومی به صورت نمایش به اجرا در نیاید، حس شهروندی افول می کند. تفاوت مکانها، تفاوتی نهادی و اجتماعی است و لذا فضا چیزی بیش از صحنه و پرده، زمینه صحنه نیست. هر جا که زندگی اجتماعی جریان دارد نمایش جریان دارد و ریشه درک

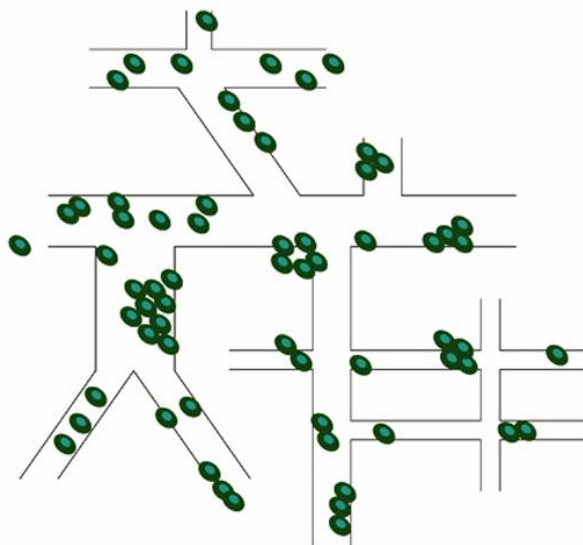
نمایش مشارکت در نمایش است. مشارکت، بدن، واژه عمومی همه یک صدا بیان کننده یک چیز هستند حضور توامان تئاتر و شهر. در صحنه بازیگران در حضور و برای تماشاچی با هم کار می کنند. در زندگی واقعی تماشاچی وجود ندارد و دو طرف نقشهای خود را با دیگری وفق می دهند گویی که خود هم بازیگرند و هم تماشاچی. بنابراین به محض شروع یک نمایش در فضای عمومی شهر میتوان انتظار این را داشت که بصورت ناخودآگاه بدن نسبت به این موقعیت عکس العمل نشان می دهد و تا مدتی نامعلوم موضع خود را تحت کنترل دارند به همین دلیل به بازی گرفتن تماشاگر از شگردی خاص طلب می جوید که بتواند این دیوار دفاعی را به مراتب تعدیل کند و از آن سو تماشاگر با درک اعتماد و اطمینان درمی یابد که خطری در کمینش نیست و خود بصورت انتخابگرانه وارد عمل می شود.

تئاتر از زندگی واقعی تقلید می کند و نه برعکس. وقتی در دل و حریم مردم، نمایش اجرا می گردد گروه باید از درکی بالا برخوردار باشد که بتواند ارتباط بگیرد. چراکه عرف رایج، مرز بین خود و تماشاگر را بر هم زده (عدم تعادل و توازن). از سوی دیگر مخاطب در یک دو راهی برای ورود گیر می کند از سویی جذابیت این هنر کشش و ترغیب غریزی را برای او ایجاد می کند (احساس) و از سوی دیگر کنترل و ناآشنا بودن خلق موقعیت جدید راه را برایش می بندد (عقل). برای تسهیل کردن و ارتباط برقرار کردن بین عقل و احساس، تئاتر و شهر، فضای عمومی و تئاتر محیطی هیچ راهی به جز عنصر اعتمادسازی و اطمینان بخشی وجود ندارد. اکثر مردم در مرحله ای از تعاملات اجتماعی شان نقش بازی می کنند یعنی برای هر موقعیت خاص یک نقش ایفای می کنند. در صحنه های باز به دلیل این که نمایشگران و تماشاگران بی هیچ مرزی، در کنار هم قرار دارند؛ صمیمیت فضا بیشتر می شود. بطور خلاصه نمی شود به سادگی طراحی صحنه تئاتر محیطی را در غالب اضافه کردن چند آکسسوار دید بلکه وقتی قاعده بازی عوض می شود ( ورود به حریم تماشاگر) مجبور به درک متقابل می شویم. ساختار های عرف جایگاه تماشاگر به کنار می رود، انعطاف پذیری مکان برای حضور انسان فراهم می شود و اینگونه تماشا بازیگر از هر منظری به دلخواه (انتخابگرانه) به دیدن رویداد می نشیند.



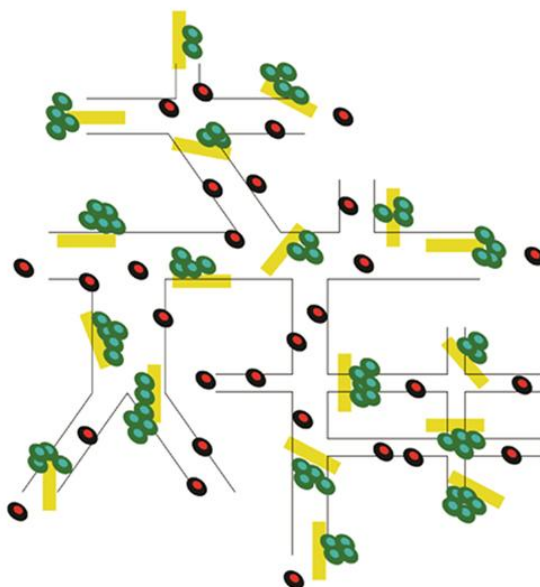
گراف ۱۰: تفاوت صحنه در سالن و تئاتر محیطی

شاید اولین گام باید قبل از هر حرکتی از نگاه تماشاگر به موقعیت ایجاد شده نگاه کرد، یک همذات پنداری اولیه جهت درک او از موقعیت. از سوی دیگر هرچقدر هم فضا عالی باشد و دارای تمام کیفیت های لازمه قرار بگیرد اما خالی از سکنه (انسان، شهروند باشد) مرگ فضا رقم می خورد. نگارنده تحقق این امر را با بهره گیری از نگرش کاتالیزور مکانی و بدنبال آن مکان یابی تئاتر محیطی در فضای عمومی در کلان شهرها می داند. شهری که هیچ قابلیت انسانی ندارد و فضاهای عمومی فقط بعنوان رسیدن ها، جا به جا شدن ها معنا پیدا می کند، بنابراین انسان های خنثی در دامان خود پرورش می دهد.



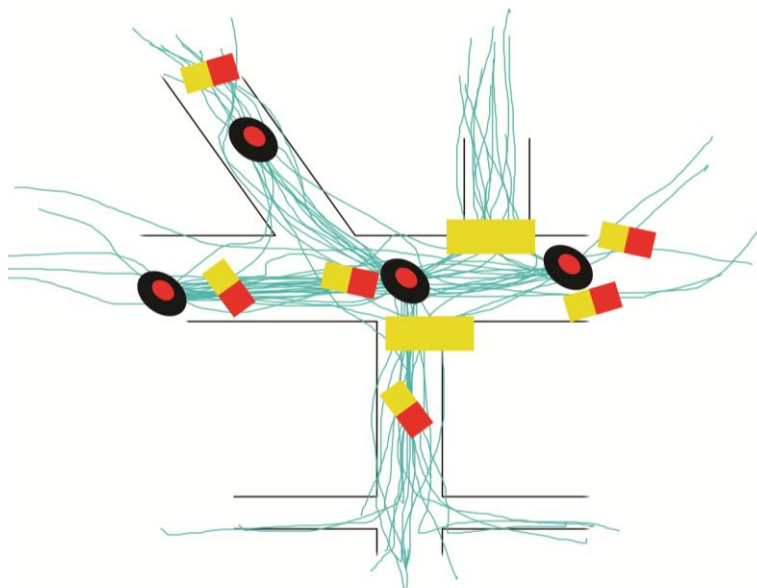
گراف ۱۱:جامعه خنثی

اما اگر توسط تئاتر محیطی نشانه گذاری شود ( مکان یابی ) می تواند این تعادل خنثی را دگرگون و تحرک و پویایی را در هر دو حوزه تئاتر و شهر رقم زند. استواری تئاتر ( جدیت ) را پابرجا کند، نیازش را مانند غذا، لباس، مسکن در اولویت بگذارد تا بیش از پیش جنبه های فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی اش رونق گیرد.



گراف ۱۲:حل شدن کاتالیزور مکانی در جامعه

در پایان این نوشتار لازم به ذکر است "کاتالیزور مکانی" در بستر چشم انداز شهر خودسازمانده و یا تئاتر درمانگر می تواند انسان قلمداد گردد. انسانی که خود بعنوان "انسان کاریزماتیک" معرفی می شود.



گراف ۱۳: هر شهروند خود یک کاتالیزور متحرک (انسان کاربزماتیک)

## مراجع

- [۱] مدنی پور ، علی . طراحی فضای شهری نگرشی بر فرآیندی اجتماعی و مکانی. ترجمه ی فرهاد مرتضایی ، انتشارات پردازش و برنامه ریزی شهری، ۱۳۷۹.
- [۲] بوآل ، آگوستو .تئاتر مردم ستمدیده . ترجمه ی جواد ذوالفقاری ، مریم قاسمی ، انتشارات نوروز هنر، ۱۳۸۰.
- [۳] مدنی پور ، علی . فضاهای عمومی و خصوصی شهر. ترجمه ی فرشاد نوریان، انتشارات پردازش و برنامه ریزی شهری، ۱۳۸۷.
- [۴] طیران ، آرمان . دربارۀ آگوستو بوآل و سیستم ژوکر ، انتشارات افزار، ۱۳۹۰.
- [۵] هاروی ، جن . تئاتر و شهر. ترجمه ی سپیده خمسه نژاد ، انتشارات مروارید، ۱۳۹۲.
- [۶] مقاله رویکرد استفاده از کاتالیزورهای شهری در احیاءبافت های تاریخی و باارزش شهری. کاهه عین اللهی، محمدمهدی عابدی ، ماهنامه شهر نگار شماره ۷۳ ، ۷۴، ص ۳۵
- [۷] سجادی ، فروغ ( ۱۳۹۲ ) ، تاملی بر مفهوم تئاتر محیطی {درون شبکه ای سایت ایران تئاتر شناسه مطلب: ۳۱۱۵۰}
- [۸] کورت گروتز ، یورگ زیبایی شناسی در معماری ، ترجمه ی جهانشاه پاکزاد ، عبدالرضا همایون ، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی چاپ سوم ۱۳۸۶
- [۹] گیدیبون، زیگفرید فضا ، زمان ، معماری رشد یک سنت جدید ترجمه ی منوچهر مزینی ، انتشارات علمی و فرهنگی چاپ یازدهم ۱۳۸۶
- [۱۰] عندلیب ، علیرضا، اصول نوسازی شهری رویکردی نو به بافت های فرسوده، انتشارات آذرخش چاپ دوم سال ۱۳۹۲
- [۱۱] مقاله بررسی و تاثیر هنر نمایش بر بازآفرینی فضاهای رها شده نمونه موردی :کلان شهر تهران .علی طهرانچی ، دومین همایش معماری و شهرسازی در گذر زمان ، قزوین ۱۳۹۳
- [۱۲] لوگان ، دان - اتوئی ، وین مقاله مفهوم کاتالیزورهای شهری ترجمه ی ، کیانوش ذاکر حقیقی ، نشر مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری چاپ اول سال ۱۳۸۹